

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۹ فبروری ۲۰۲۳

## ابراز انزجار از طالب کافی نیست، می باید "طالبیسم" را به زباله دان تاریخ سپرد! (۱)

چهارشنبه- ۱۹ دلو ۱۴۰۱ - کابل: با شنیدن خبرهای دهشتناک و غم انگیز زلزله از ترکیه، امروز ما هم به مانند ده ها هزار خانواده افغانستان که یک و یا چند تن از اعضای خانواده، اقارب، خویشاوندان و دوستان دور و نزدیک شان در ترکیه پناهگزیین شده اند، با دلهره و ناراحتی آغاز یافت. در این جریان نه تنها ما خود در حد امکان به هرجائی تماس می گرفتیم تا جویای سلامتی کسانی که می شناختیم شویم، دوستان دور و نزدیک نیز با تماس گیری های شان، ما را در جریان حوادث و تلفات ناشی از آن قرار می دادند.

علی رغم تمام اخبار ناخوشایند و دردانگیزی که از این سانحه طبیعی به گوش ما می لرزید و بابت مرگ و زخمی شدن و بی خانمان شدن ده ها و صد ها هزار انسان بدون در نظر داشت ملیت و قوم همه ما در سوگ عمیقی فرورفته بودیم تنها امیدی که تا حدی امکان تحمل بی خبری از دوستان را میسر می ساخت، عکسهای منتشر شده از مناطق تخریب شده بود. در آن عکسها واضح دیده می شود که این زلزله عمدتاً قشر متوسط جامعه ترک را به نابودی کشانده است، و چون اکثریت پناهجویان افغان در کنار اقشار پائین جامعه و در خانه های یک منزله زندگانی می نمایند، شمشیر مرگ سر آنها را قطع نموده است. این تنها امید تحمل انتظار تماس با خانواده ها و دوستان بود.

در چنین فضائی، حوالی ساعت چهارونیم عصر، در حالی که سواری خود را تازه در حصه اول خیرخانه پائین نموده بودم و در این چرت بودم که قبل از برداشتن سواری جدید نخست با خانواده و یکی دو تن از دوستان تماس بگیرم و جویای احوال و اخبار جدید گردم، که درب موتر از دو جهت باز شد و یک صدا گفتند میدان هوائی!

هنوز صدای اعتراض من بلند نشده بود تا بپرسم که این چه وضعیت است، که آنها به اعتراض علیه یک دیگر آغاز نمودند که چه کسی اول درب تکسی را باز نموده است. برای من که بعضی روزها، واقعاً ساعتها به امید یافتن یک سواری سپیشل به مانند اکثر رانندگان دیگر خیال پلو می زنم، این برخورد غیر مترقبه چنان مایه حیرت گردید که اعتراض خود را فراموش نمودم و هدف آنها را پرسیدم: باز هم هر دو گفتند: میدان هوائی! هر اندازه که بخواهی!

قبل از آن که وارد سرک بزرگ شوم، به فکر آن که شاید آنها خبر بد انتقال اجساد خانواده های شان را شنیده باشند، صحبت را آغاز نموده گفتم:

"خدا کند خیریت باشد، مردم را آوازه انتقال اجساد از ترکیه کاملاً سرگردان ساخته، باعث شده است که طالب دره اش را بلند نموده زیر عنوان فیر هوائی چند تن را زخمی هم نمایند"

وقتی این جملات را می‌گفتم، از شیشه عقب نمای موتر متوجه چهارتنی که در سیت عقبی نشسته بودم، نیز بودم و می‌خواستم ببینم چه عکس‌العملی نشان می‌دهند. هنوز دوباره حرفم را آغاز نکرده بودم که یکی از آنها گفت:

"بیادر، قضیه روان کدن افغانها به ترکیه چه است، چه شنیدی؟"

من که تا آنزمان می‌شود گفت تمام روز یا در جاده‌ها بودم و یا در تماس تلفونی بادوستان، از جمله با یکی از دوستانی که در کانتین میدان هوائی کار می‌کند، چندین بار تماس گرفته بودم، سؤال برایم چنان غیر مترقبه بود که نا آگاه موتر را در کنار سرک متوقف ساخته، رویم را به طرف عقب برگردانده گفتم:

"مه خو چیزی نشنیدیم، شما چه شنیدین؟"

همان فردی که پرسیده بود گفت: "چتو چیزی نشنیدی، طیاره های ترکیه آمده، افغانها ره بی پاسپورت ترکیه می‌برن، میگی نشنیدیم"

با شنیدن این صحبت‌ها و عجله‌ای که از خود نشان می‌دادند متوجه شدم که آنها نیز فریب یکی از آوازه‌های غیر مسؤولانه و حتا ردیلانه تعدادی از عناصر رذل و پست را که برای "ساعت تیری" و "خندیدن به حماقت دیگران" چنین آوازه‌هایی را می‌اندازند خورده‌اند، موتر را خاموش نموده نخست خواستم آنها را قانع سازم که این یک آوازه دروغ است بهتر است آنها را برگردانم، وقتی موافقت نکردند گفتم:

"تا همی جا که آمدیم مهمان من باشین، هیچ پیسه نئین، برین کدام موتر دیگه ره پیدا کنین"

آنها بعد از این که اندکی به قیافه طالب گونه‌ام نظر انداختند، مناقشه را لازم ندانسته، در حالی که زیر لب فحش می‌دادند از موتر پائین شده، در کنار سرک منتظر تکسی دیگری شدند. بعد از پائین شدن آنها، خودم برای چندمین بار در یک روز باز هم با دوستان در کانتین میدان هوائی تماس گرفته، پرسان نمودم که قضیه از چه قرار است، در ضمن قصه سواری‌های خود را هم کردم.

دوستانم ضمن آن که من را از آوردن سواری به میدان هوائی برحذر داشت و گفت که این یک آوازه مطلقاً دروغ است، افزود که طالب هم در عرض راه موترها را توقف داده، باز هم به لت و کوب و فیرهای هوائی و بگیر و ببند آغاز کرده است و باز هم تأکید ورزید که نباید خطر کنم و طرف میدان هوائی دور بخورم.

وقتی صحبت ما تمام شد، به امید این که آن سواری‌ها را در جریان قضیه قرار دهم، متوجه سرک شدم، متأسفانه آنها نبودند، نمی‌دانم که تکسی یافته بودند و یا با دویدن به طرف میدان هوائی کابل از نظرم غایب شده بودند.

\*\*\*\*\*

با در نظر داشت این که طالب به تجربه ثابت ساخته است که از قماش همان آدم‌هایی‌اند که اگر در قندهار مسگری خطا کند، آنها در جلال آباد سر آهنگری را می‌برند و در چنین مواقعی در تمام شهر کابل بر میزان خشونت و دهشت‌شان می‌افزایند، و بادر نظر داشت وضعیت نیمه مخفی زندگانی خودم که طالب و نظام ملاسالار به مانند سگ به دنبال یافتن "عمر" می‌گردند و خوشبختانه تا حال موفق نشده‌اند بدانند که "عمر" همین صوفی طالب مانند است، روی موتر را دور داده، به خانه رفتم، تا در صورت امکان دنبال قضیه را از آنجا تعقیب نمایم.

سرانجام بعد از پرس و جو مطلع شدم که این آوازه باز هم ده‌ها هزار از شهروندان کابل را به طرف میدان هوائی به امید ترک کابل و نجات از دهشت و ظلم طالب کشانیده است، فشار مردم و رجوع مردم به طرف میدان هوائی چنان بالا

گرفته که سخنگویان طالب از "مجاهد" گرفته تا "خُدران" ناگزیر شدند از طریق رسانه های مجازی اعلام بدارند که این آوازه دروغ است و از مردم بخواهند که خود را سرگردان نسازند.

\*\*\*\*\*

هموطنان گرامی!

در اینجا سؤالی پیدا می شود که چرا مردم ما، از روشنفکر گرفته تا سیاستمدار، از مردم رند و چالاک که فاخته نرو ماده را در هوا می شناسند تا بازاری که ده ها نفر را به لب جوی برده و تشنه برگردانده، چنان احمق می شوند و فریب چنین آوازه هائی را می خورند توگویی عقل خود را از دست داده و یا اصولاً چیزی به نام مغز در کله های شان وجود ندارد و حد اقل از خود نمی پرسند که چرا باید ترکیه به چنین کاری دست زند و در حالی که تلاش می ورزد علی رغم دریافت پول های هنگفتی از امریکا و اتحادیه اروپا و ملل متحد برای اسکان پناهجویان، هزاران افغان و بقیه خارجی ها را از خاک خود اخراج کند، به یک باره طیاره بفرستد تا مردم افغانستان را حتا بدون روایت مسافرتی به ترکیه بیاورد، به مانند گله های گوسفند را می افتند و می روند به طرف میدان هوائی تا به ترکیه خود را برسانند؟؟

ادامه دارد

**با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!**

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**